خارج از سالن‌ها کت تن چه کسی بود

پرونده‌ای مفصل برای برنده‌ها و بازنده‌های طرح اکران آنلاین سینمای ایران در نیمه اول سال ۹۹. این گزارش دربرگیرنده بهترین و بدترین فیلم‌ها و همچنین بازیگران موفق و ناموفق است. نکات خواندنی دیگر را در پرونده امروز هفت صبح بخوانید

احمد رنجبر
هفت صبح

سال ۹۹ با یک تصمیم مهم برای سینما شروع شد. در حالی که ویروس کرونا سینماها را تعطیل کرده بود، ایده اکران آنلاین مورد وثوق سینماگران برای نمایش فیلم‌ها قرار گرفت. در گام نخست صاحبان فیلم خروج پذیرفتند فیلمشان در این طرح به نمایش درآید. «خروج» ابراهیم حاتمی‌کیا خیلی زود قاچاق شد، اما اکران آنلاین ادامه یافت و در ادامه این باور جا افتاد که چاره‌ای جز پایبندی به این طرح نوپا نیست. حالا خیلی از مخاطبان و علاقمندان سینما، هر هفته منتظر فیلم جدید هستند تا آن را از طریق پلتفرم‌ها به تماشا بنشینند و زحمت رفتن به سالن را به جان نخرند! فارغ از ضعف و قوت‌های اکران آنلاین، پرونده امروز اختصاص دارد به عملکرد فیلم‌های به‌نمایش درآمده. سال‌های پیش در هفت صبح برنده‌ها و بازنده‌ها بر اساس اکران فصل سینماها مشخص می‌شدند و حالا بالطبع ملاک، اکران آنلاین است. در این گزارش می‌شود به فیلم هفت‌ونیم نوید محمودی هم اشاره کرد. در سینمای ایران فیلم‌های اندکی درباره بحران و مشکلات روابط جنسی ساخته شده‌اند؛ حال آنکه این مسئله یکی از مسائل حاد جامعه است. با این پیش‌زمینه می‌توان نوید محمودی را کارگردانی جسور دانست که در هفت‌ونیم دقیقه زندگی تراژیک هفت دختر جوان را روایت کرده است. این دختران مشکل ارتباط جنسی در روابط گذشته دارند و حالا در آستانه ازدواج با بحرانی بزرگ مواجهه هستند... در میان فیلم‌های اکران آنلاین یک مستند جذاب هم وجود داشت: جایی برای فرشته‌ها نیست، ساخته سام کلانتری. فیلم حکایت دختران تیم ملی اسکیت هاکی ایران و مشکلات بی‌شمار آنها در مسیر رسیدن به مسابقات آسیایی کره است. جایی برای فرشته‌ها نیست به دلیل روایت صریح و بی‌پرده از زندگی دختران تیم ملی اسکیت هاکی جذاب است و به‌خاطر حضور در زندگی شخصی هرکدام جسور است و درس‌آموز... سهم سینمای کودک هم فیلم تورنادو، ساخته سیدجواد هاشمی بود که بعد از اکران سینمایی سر از اکران آنلاین درآورد... بقیه نکته‌ها درباره فیلم‌های اکران آنلاین و برنده و بازنده‌هایش را در این گزارش بخوانید.

بهترین فیلم

کشتارگاه

کشتارگاه یکی از فیلم‌های غافلگیرکننده جشنواره سی‌وهشتم بود؛ فیلمی که داستانش کوبنده شروع می‌شود و مخاطب را تا آخر با خود همراه می‌کند. قصه معمایی تا انتها ادامه دارد و با یک پایان شوکه‌کننده همراه می‌شود. عباس امینی پیش از کشتارگاه سه فیلم ساخته بود، اما هیچ‌کدام به اندازه آخری موفق نبوده‌اند. او در این فیلم مسئله‌ای به نام قاچاق ارز را با یک قصه جذاب پیوند می‌زند. فیلم برخلاف نمونه‌های رایج، اثری نیست که مخاطب را با شخصیت‌های غیرملموس مواجه کند. آدم‌هایی که در کشتارگاه می‌بینیم از جنس کسانی هستند که در طول روز با آنها مواجهیم. یکی از دلایل موفقیت شخصیت‌های فیلم به بازی‌های خوب حسن پورشیرازی، امیرحسین فتحی، مانی حقیقی و باران کوثری برمی‌گردد.

حمال طلا

در زمان اکران حمال طلا دو گزارش مجزا در هفت صبح منتشر شد. گزارش اول به نکات مثبت و منفی فیلم اختصاص داشت. گزارش دوم را همکاران بخش اقتصادی منتشر کردند و نتیجه گرفتند بخشی از اتفاق‌های حمال طلا با واقعیت‌ها همخوان نیست. بااین‌حال از نظر دراماتیک، این فیلم اثری همراهی‌برانگیز است. کارگر یک طلافروشی بعد از اینکه طلاهایش دزدیده می‌شود، به همراه دوستش ۶۰ میلیون تومان فاضلاب می‌خرند تا یک الماس قدیمی در چاه دستشویی را پیدا و خسارت پیش‌آمده را جبران کنند. تورج اصلانی داستان را با جزئیات روایت می‌کند و چه‌بسا بخش‌هایی از این جزئیات در دستشویی همان عاملی است که مخاطبان را پس زده! بااین‌حال ریتم بالا به همراه بازی خوب سعید آقاخانی، ژاله صامتی و امید روحانی از امتیازهای حمال طلا است. به فیلم هم می‌توان نگاهی فرامتن داشت؛ کمااینکه برخی منتقدان حمال طلا را مصداق دست‌وپازدن طبقه‌ای از جامعه در میان معضلات اجتماعی دانسته‌اند!

خروج

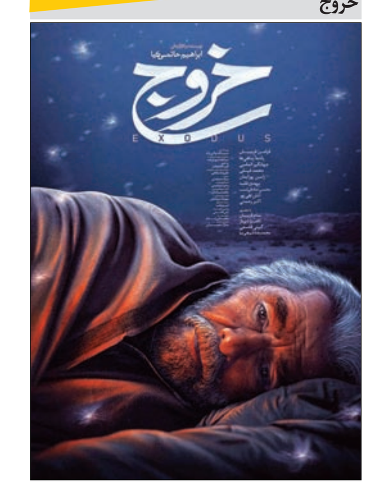

همین ابتدا یک یادآوری لازم است و اینکه خروج بهترین فیلم ابراهیم حاتمی‌کیا نیست؛ بااین‌حال در جمع فیلم‌های اکران یکی از مهم‌ترین آثار محسوب می‌شود. دلیل اینکه در این پرونده، خروج عنوان بهترین فیلم را به دست آورده، دغدغه عدالت‌خواهی کارگردان است. حاتمی‌کیا می‌توانست داستان را با ضرباهنگ بیشتر روایت کند، اما او قصه‌اش را سر صبر پیش می‌برد و در این مسیر نقدهای خود را به شیوه کنونی مملکت‌داری به زبان می‌آورد. زبان حاتمی‌کیا در خروج سرخ نیست و گویی این‌بار مشفقانه‌تر هشدارها را به زبان آورده. نمی‌دانیم چه میزان از این خویشتن‌داری حاصل شرایط است و چقدر از آن نظر خود کارگردان. بااین‌حال خروج فیلمی مهم در اکران ۹۹ است.

بهترین بازیگر زن

باران کوثری

کشتارگاه دومین فیلمی است که باران کوثری در آن نقش دختری عرب‌زبان را بازی می‌کند. این‌بار اما برخلاف روز سوم، او درون‌گراست و با آرامش مرموزی هدفش را پیش می‌برد. پدر او به طرز مشکوکی کشته شده، اما جز او کسی به قتل ایمان ندارد. او آن‌قدر سماجت می‌کند تا در نهایت پی به واقعیت می‌برد. در همه این لحظات باران کوثری آرام است و همه حرفش را با نگاه‌های ترسناک بیان می‌کند. او در کشتارگاه کاری نمی‌کند و درعین‌حال همه کار می‌کند. این جنس بازی، سخت‌ترین کار برای یک بازیگر است که بخواهد درونیات خود را بدون داد و فریاد منتقل کند. باران کوثری به خوبی یک شخصیت مخوف و انتقام‌جو را به تصویر می‌کشد.

فاطمه معتمدآریا

حکایت دریا و بنفشه آفریقایی دو فیلم فاطمه معتمدآریا هستند که در اکران آنلاین به نمایش درآمدند. معتمدآریا در هر دو فیلم بازی خوبی دارد، اما آنچه تحسین عمومی را برانگیخت، بازی او در بنفشه آفریقایی است. این فیلم را مونا زندی‌حقیقی کارگردانی کرده و معتمدآریا نقش زنی به نام شکوه را بازی می‌کند. همسر اول او (سعید پورصمیمی) در خانه سالمندان است و شکوه از سر ترحم او را پیش خود می‌آورد. چالش‌ها از همین‌جا شروع می‌شود که شکوه باید هوای همسر دوم (سعید آقاخانی) را داشته باشد. رفتارهای معتمدآریا در بنفشه آفریقایی چنان ظریف است که مخاطب فارغ از موقعیت قصه، جذب فیلم می‌شود. او خیلی زود مخاطب را به این باور می‌رساند که در حال تماشای زندگی واقعی یک زن است! موقعیت دشوار شکوه به همراه احساسات ناب او نسبت به آدم‌ها به خوبی در بازی فاطمه معتمدآریا مشهود است. این موفقیت در بازیگری به دست نمی‌آید مگر برای کسی که تجربه سال‌ها چالش در نقش‌های سخت داشته. معتمدآریا برای بنفشه آفریقایی نامزد دریافت سیمرغ هم شد.

طناز طباطبایی

یکی از امتیازهای فیلم طلا به ترکیب بازیگران آن برمی‌گردد. در کنار نگار جواهریان که دختری عاشق‌پیشه و زخم‌خورده است، یکی دیگر از بازی‌های خوب فیلم متعلق به طناز طباطبایی است. او نقش لیلا را بازی می‌کند که جوانی از طبقه متوسط است و رویای پیشرفت دارد. آنچه بازی او را واجد تحسین کرده، تلاش برای ایجاد مرز میان شخصیت لیلا با تجربه‌های پیشین است و همین مرز باریک، برگ برنده بازی اوست. داستان طلا از جایی شروع می‌شود که چند جوان در یک سالن سینما مشغول تماشای مسابقه فوتبال کشورمان هستند. کمی بعد از دل هیاهو و هیجان پی می‌بریم، آنها به دنبال رسیدن به پول هستند. در این ترکیب بازی طناز طباطبایی تکمیل‌کننده پازل جوان‌هایی است که رویای ثروتمندشدن دارند؛ یک شخصیت ملموس و آشنا.

بدترین فیلم

زیرنظر

زیر نظر نخستین تجربه کارگردانی مجید صالحی در سینماست. سال پیش فیلم او روی پرده رفت اما اکران آن مصادف شد با حوادث مختلف. با این حال در روزهای عادی هم به دلیل کیفیت پایین از زیر نظر استقبال خوبی نشد. فیلم بعد از مدتی سر از اکران آنلاین درآورد تا از این ظرفیت هم برای دیده شدن بهره بگیرد. با این حال وقتی اثری ضعیف باشد محل عرضه آن مهم نیست. زیر نظر به سبک کمدی‌های عبدالرضا کاهانی ساخته شده اما هرگز به گرد آن‌ها نمی‌رسد. فیلم داستان چند آدم مشنگ است که به خاطر سوراخ یک مبل گرفتار می‌شوند! کارگردان نه در فضاسازی موفق بوده و نه توانسته از ظاهر داستانش استفاده‌ای تمثیلی کند. بدترین ضربه به رضا عطاران خورده که صالحی از او بازی بدی گرفته است.

گیلدا

گیلدا را کیوان علی‌محمدی و امید بنکدار سال ۹۵ ساختند اما فرصت نمایش عمومی به‌دست نیاورد و اخیرا به شکل آنلاین اکران شده است. نقش اصلی فیلم برعهده مهناز افشار است که یک شب در رستوران خود با مردان زیادی مواجه می‌شود و هر بار در جلد یک شخصیت فرو می‌رود. گیلدا به‌رغم مخاطبان و منتقدان یکی از بدترین فیلم‌های اکران آنلاین است. فیلمی که به‌جای روایت یک داستان ساده و سر راست سراغ بازی‌های پیچیده فرمی می‌رود و در همان دقایق ابتدایی مخاطب را پس می‌زند. منتقد سایت مووی مگ درباره فیلم اینگونه نوشته است: «هدف نهایی گیلدا از ساخته شدن مشخص نیست. فیلم هیچ حرف تازه‌ای برای گفتن ندارد و در چند اپیزودی که روایت می‌شود، چندین موضوع تکراری مانند مشکلات مجوز ارشاد و مسائل اجتماعی دیگر با پرداختی تکراری و کلیشه‌ای به تصویر کشیده شده که باعث می‌شود ارزش تماشای اثر از بین برود.» از این دست نقدهای منفی درباره فیلم زیاد دیده می‌شود.

لتیان

علی تیموری در نخستین تجربه خود سراغ قصه‌ای ملتهب از روابط آدم‌ها رفت اما نمره قبولی نگرفت. اصلی‌ترین ضعف لتیان قصه کند و خسته‌کننده آن است. داستان را می‌شود در ۱۵دقیقه روایت کرد اما اتفاق‌ها سر حوصله رقم می‌خورند. دیگر ایرادی که به فیلم لتیان وارد شده به شخصیت‌پردازی آن برمی‌گردد. آدم‌هایی که در فیلم می‌بینیم همراهی برانگیز نیستند و تا لحظات پایانی فیلم نمی‌دانیم «مسئله» هر کدام چیست. ضعف‌های بازیگری، شخصیت‌پردازی و فضاسازی را باید به پای کارگردان نوشت. حتی ایرادی چون تقلید از اصغر فرهادی و شیوه گره‌گشایی‌ها، ضعف کارگردان است. علی تیموری فیلمنامه‌ای بی‌کم و کاست در اختیار نداشته با این حال نتوانسته از فیلمنامه ضعیف استفاده‌ای بهینه کند.

بدترین بازیگر زن

مهناز افشار

سهم مهناز افشار از اکران آنلاین فیلم‌های گیلدا و مهمانخانه ماه نو است. در اولی وارد جلد چند شخصیت مختلف رفته و به خوبی از پس آنها برآمده است. آنچه به بازی افشار لطمه زده به کیفیت خود فیلم برمی‌گردد که اثری گنگ و خسته‌کننده است. بازی افشار در مهمانخانه ماه نو اما قابل دفاع نیست. او در این فیلم نقش مادری به نام نوشین را بازی می‌کند که با دختر خود مونا (لاله مرزبان) زندگی آرامی دارد، اما سفر مردی به ایران به نام تاکشی با بازی ماساتوشی ناگاسه زندگی آنها را دستخوش تغییراتی می‌کند و ...به زعم خیلی‌ها این فیلم بدترین نقش افشار در سال‌های اخیر است. یک شخصیت منفعل که نمی‌داند در برابر موقعیت‌های مختلف چه واکنشی از خود نشان دهد. خود افشار هم معترض فیلم است.

سارا بهرامی

بخشی از رفتارهای سارا بهرامی در فیلم لتیان را در فیلم‌های دیگر او دیده‌ایم؛ از جمله سرکوب و کرگدن. او در لتیان هم دختری است پرشروشور. قصه که پیش می‌رود بخشی از رفتارهای او رازآلود می‌شود. بااین‌حال گره قصه آن‌قدر قوی نیست که نظر مخاطب را به آن جلب شود. بازیگر هم نتوانسته با بازی‌اش فوکوس بکشد. بدترین بخش بازی بهرامی جایی است که مشخص می‌شود نیت او از فراهم کردن سفر چه بوده. مخاطب تفاوت محسوسی در بازی او نسبت به بخش‌های عادی داستان نمی‌بیند. نمی‌دانیم خانم بهرامی چرا برای نمایش احساسات درونی شخصیت‌ها این‌قدر برون‌ریزی اغراق‌شده دارد؟ سارا بهرامی بعد از سیمرغی که برای دارکوب گرفت، گویی انگیزه‌اش را از دست داده. نه انتخاب‌های او قابل‌قبول هستند و نه بازی‌اش. سریال ساخت ایران و فیلم‌های جمشیدیه و سرکوب در این راستا تعریف می‌شوند. «چپ راست» حامد محمدی انتخاب سارا بهرامی بعد از لتیان است. شاید این فیلم فرصت جبران به بهرامی بدهد.

ریحانه پارسا

خوب، بد، جلف ۲؛ ارتش سری به اندازه قسمت اول موفق نبود. پیشتر ایرادهای آن از جمله شوخی‌ها و قصه را برشمردیم. بااین‌حال بدترین اتفاق برای فیلم پیمان قاسمخانی به بازی بد ریحانه پارسا برمی‌گردد که از اساس انتخاب خوبی برای نقش نبوده. او حضوری تاثیرگذار در فیلم نداشت، نه خودش عامل خنده این فیلم کمدی است و نه بده‌بستانش با شخصیت‌های مقابل. علاوه‌براین، چهره سرد و ساکن پارسا نسبتی با این فیلم کمدی پر اکت ندارد. او حتی در دیالوگ گفتن تصنعی برخورد می‌کند و گویی در موقعیت‌های مختلف، متوجه نیست که شخصیت باید چه واکنشی داشته باشد. بازی دیگر بازیگران نشان می‌دهد که آنها می‌دانند در خوب، بد، جلف ۲؛ارتش سری چه مختصاتی دارند، اما بازی پارسا فاقد چنین شناسنامه‌ای است.

22

اکران آنلاین با فیلم خروج ساخته ابراهیم حاتمی‌کیا کلید خورد. بعد از آن نوبت به فیلم طلا ساخته پرویز شهبازی رسید. در ادامه این فیلم‌ها در این طرح به نمایش در آمدند که بدون ترتیب آن‌ها را مرور می‌کنیم: بهت، کشتارگاه، مهمانخانه ماه نو، زیر نظر، زن‌ها فرشته‌اند ۲، قتل عمد، لتیان، نرگس مست، گیلدا، بی‌حسی موضعی، حکایت دریا، بنفشه آفریقایی، خوب،بد،جلف ۲: ارتش سری، ایستگاه اتمسفر، حمال طلا، هفت و نیم، تیغ و ترمه، پسرکشی، هایلایت، تورنادو و جایی برای فرشته‌ها نیست. سهم پلتفرم‌های فیلیمو و نماوا در اکران آنلاین بیش از رقبا بوده است. برخی فیلم‌ها علاوه بر اکران آنلاین در سینماها هم نمایش داده شدند.

02

شش بازیگر در اکران آنلاین صاحب دو فیلم بوده‌اند. از فاطمه معتمدآریا فیلم‌های حکایت دریا و بنفشه آفریقایی اکران شد که درباره آن به طور مجزا نوشته‌ایم. سهم ژاله صامتی دو فیلم حمال طلا و پسرکشی بود. او در این دو فیلم موفق عمل کرد. نگار جواهریان علاوه بر این که نقش اصلی فیلم طلا را برعهده داشت، در دوئت هم یکی از نقش‌های اصلی را دارد. در اولی موفق‌تر بوده است. گیلدا و مهمانخانه ماه نو فیلم‌های مهناز افشار هستند که درباره‌شان نوشته‌ایم. باران کوثری هم با فیلم‌های بی‌حسی موضعی و کشتارگاه در اکران آنلاین حضور داشت. سهم پژمان بازغی هم فیلم‌های تیغ و ترمه و هایلایت است. او در هر دو فیلم ناکام بوده و بازی خوبی نداشته است.

04

در طرح اکران چهار فیلم کمدی برای مخاطبان نمایش داده شد. مهم‌ترین آن خوب،بد، جلف ۲؛ارتش سری پیمان قاسمخانی است. این فیلم اکران سینمایی هم داشت. زیر نظر ساخته مجید صالحی دیگر فیلم کمدی است که ابتدا در سالن‌های سینما اکران شد. این فیلم به‌رغم داشتن رضا عطاران موفق نبود. زن‌ها فرشته‌اند ۲ دیگر فیلم کمدی اکران آنلاین است که آن را آرش معیریان ساخته. بی‌حسی موضعی ساخته حسین مهکام را هم می‌توان در دسته کمدی‌ها قرار داد. درباره کیفیت این فیلم هم به طور مجزا نوشته‌ایم. در این میان ضرر اصلی متوجه خوب،بد، جلف ۲؛ارتش سری شد که اگر شرایط سینماها عادی بود می‌توانست رکوردشکن شود. این فیلم اما در اکران سینماها به‌خاطر ترس از کرونا توفیقی به‌دست نیاورد.

بهترین بازیگر مرد

سعید آقاخانی

سعید آقاخانی صاحب ویژگی‌هایی است که کمتر در بازیگران دیگر سراغ داریم. چهره او به‌رغم جدی بودن و رگه‌هایی از عصبیت، همزمان دارای ملاحتی است که مخاطب را جذب می‌کند. سعید آقاخانی در حمال طلا شخصیت ویژه‌ای را برعهده ندارد، اما قدرت بازیگری‌اش به عنوان بازیگر مرد مطرح فیلم، باعث می‌شود کاراکتر او دیده شود. آقاخانی نقش صاحب یک کارگاه طلاسازی را برعهده دارد که به دلیل مشکلات اقتصادی می‌خواهد کارگاهش را تعطیل کند و به ساخت بدلیجات رو آورد. او حتی در قاب‌بندی‌های مربوط به سکانس‌های کارگاه به‌نسبت دیگر بازیگران سهم کمتری دارد. بااین‌حال آقاخانی از یک شخصیت بدون پیشینه که می‌توانست فرعی‌ترین کاراکتر فیلم حمال طلا باشد، با نوع دیالوگ و طنازی‌های بازیگری، شخصیتی دوست‌داشتنی می‌سازد.

فرامرز قریبیان

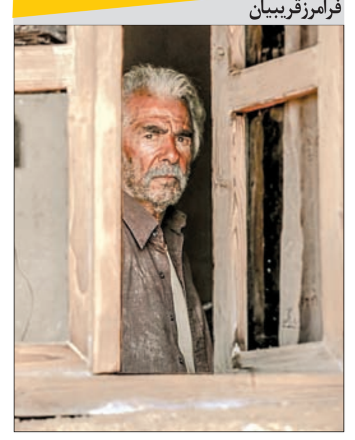

فرامرز قریبیان سال‌ها از سینما دور بود تا اینکه با پیشنهاد ابراهیم حاتمی‌کیا مواجه شد. او در فیلم خروج نقش پیرمردی به نام رحمت را بازی می‌کند که برای بیان دردِدل و گلایه‌اش، فقط رئیس‌جمهور را لایق شنیدن می‌داند. رحمت دیگر کشاورزان را بسیج می‌کند و با هم از روستای خود رهسپار تهران می‌شوند. آنچه در فیلم خروج روی آن اشتراک‌نظر وجود دارد، بازی خوب فرامرز قریبیان است. یک پیرمرد سرد و گرم‌چشیده که عمرش را به پای کشور گذاشته و حالا در کنجی مشغول به کار خویش است. جفای مسئولان اما آرامش نمی‌گذارند و برای رسیدن به عدالت و علیه ظلم خروج می‌کند. قریبیان در فیلم خروج، هم استفاده‌ای کامل از صلابت قامتش کرده و هم جذابیت چهره‌اش. نگاه نافذ و بدن استوار او چاره‌ای نمی‌گذارد جز اینکه باور کنیم می‌توان حق را گرفت، بدون خم کردن کمر! بازی قریبیان در خروج تحسین شد و سال پیش نامش میان نامزدهای کسب سیمرغ فجر قرار گرفت.

امیرحسین فتحی

کشتارگاه نقطه عطف بازیگری امیرحسین فتحی است. او با شهرزاد شهره شد، اما کشتارگاه آزمون جدی بازیگری فتحی است. او در این فیلم نقش پسر حسن پورشیرازی را بازی می‌کند. پدرش بیهوده در مظان قتل قرار گرفته و پسر به دادخواهی از پدر قد علم کرده. پورشیرازی و فتحی به خوبی دو نسل مختلف را نمایندگی می‌کنند؛ پدر محطاط است و پسر نترس. امیرحسین فتحی همه ویژگی‌های یک جوان امروزی را دارد. او می‌داند نباید گول ظاهر خوش‌تیپ خود را بخورد و به ویژگی‌های رفتاری جوان‌های پایین شهر وفادار است. او در مواجهه با شخصیت دختر (باران کوثری) هم از قواعد رفتاری طبقه زندگی خود تبعیت می‌کند. این جوان در عین حال آرزوهای بزرگ در سر دارد... پایبندی اصولی به ظرایف شخصیت است که بازی فتحی را واجد تحسین کرده.

ناامید کننده‌ها

بی‌حسی موضعی

چهارمین فیلم حسین مهکام یعنی بی‌حسی موضعی جزو آثاری است که طیف زیادی از مخاطبان را ناامید کرده. این فیلم بازیگر مطرح کم ندارد: پارسا پیروزفر، سهیل مستجابیان، باران کوثری، حسن معجونی و حبیب رضایی و همین هم انتظارها را مضاعف کرده است. بی‌حسی موضعی جزو فیلم‌هایی است که با نوعی بی‌خیالی به مفاهیم مختلف زندگی کنایه می‌زنند! کارگردان چند شخصیت که غالبا مشنگ هستند را کنار هم قرار داده و برشی از زندگی‌شان را روایت کرده است. فیلم در جشنواره جهانی فجر طرفدارانی داشت اما مخالفان آن را اثری خسته‌کننده با یک ایده تکراری می‌دانند. تئوری‌هایی که در فیلم بی‌حسی موضعی درباره مرگ و زندگی مطرح می‌شود، به‌زعم برخی منتقدان بیش از حد باسمه‌ای و فاقد اصالت است.

خوب،بد،جلف؛۲ ارتش سری

وقتی از نقاط ضعف خوب،بد،جلف ۲؛ارتش سری می‌گوییم نباید فراموش کنیم فیلم دوم او با فیلم دیگری مقایسه نمی‌شود بلکه سنگ محک، فیلم اول خودش یعنی «خوب،بد،جلف» است. مثلا در آن فیلم قطب سوم شخصیت‌ها رفتاری باورپذیر داشت اما در این فیلم حامد کمیلی قطب سوم است که قرار بوده کارکردی شبیه حمید فرخ‌نژاد داشته باشد. هر چقدر فرخ‌نژاد از دست رفتارهای پژمان و سام تبدیل به یک پلیس کلافه و دوست داشتنی شد، این اتفاق برای شخصیت کمیلی رخ نداد. بخش زیادی از خوب،بد،جلف ۲ ارتش سری در حالی روایت می‌شود که قصه به جاسوس بازی و بزن بزن اختصاص دارد. سام و پژمان این بار ابله‌تر از قبل هستند. این بلاهت بیش از حد و مطول بودن بخش فیلم تو فیلم به خوب،بد،جلف ۲ ارتش سری لطمه می‌زند. یکی از جذابیت‌های خوب،بد،جلف شوخی‌های کلامی و موقعیت آن است. کل کل جمشیدی و درخشانی هر چقدر در سری پیش بکر بود این بار شکل تصنعی می‌گیرد.

قتل عمد

بدون اغراق یکی از بدترین فیلم‌های اخیر سینمای ایران قتل عمد سعید دولت‌خانی است. او که پیش‌تر به عنوان فیلمنامه‌نویس فعالیت می‌کرد فیلم اول خود را بدون ستاره‌های مطرح ساخته است. راستش هر چه فکر کردیم نکته‌ای مثبت درباره قتل عمد پیدا نکردیم. برای این که تک صدا نباشیم بخشی از نقد سایت مووی مگ را مرور می‌کنیم: قتل عمد فستیوالی از ایرادات و اشتباهات ساختاری دارد. از فیلمنامه گرفته تا کارگردانی و بازیگری و بخش‌های فنی که فیلم را تبدیل به یکی از عجیب و غریب‌ترین آثار سال می‌کند. به نظر می‌رسد که قتل عمد بلافاصله پس از فیلمبرداری بدون طی کردن مراحل پس از تولید منتشر شده است. به طور عجیبی در فیلم تصحیح رنگ صورت نگرفته و همه چیز خام است...

بدترین بازیگر مرد

مهدی پاکدل

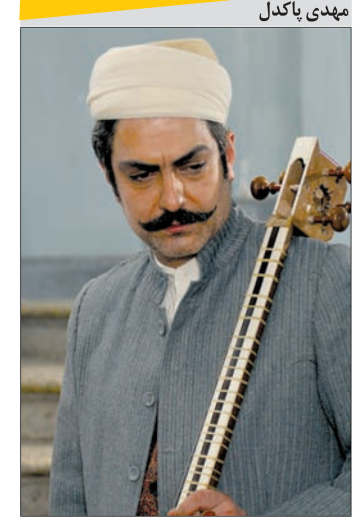

نرگس مست از جمله فیلم‌هایی بود که مدت‌ها در صف اکران قرار داشت. طرح اکران آنلاین نشان داد چرا این فیلم چهار سال امکان نمایش به دست نیاورده! نرگس مست قرار بوده به موسیقی ملی ایران ادای دین کند، اما در عمل تبدیل به اثری کاریکاتوری شده است. در این میان بازی بازیگرها هم‌راستا با فیلم غیرقابل دفاع است؛ از جمله مهدی پاکدل در نقش عارف قزوینی. نوع نگاه، بیان و راه رفتن بازیگر نشانی از شاعر شهیر معاصر ندارد. برعکس مخاطب گمان می‌کند با کاریکاتوری از عارف مواجه است. داستان‌پردازی فیلم هم بر این سوءتفاهم دامن می‌زند. نتیجه بازی پاکدل و کلیت فیلم نرگس مست نه‌تنها ادای دینی به بزرگان ادب و موسیقی نشده که نتیجه‌ای جز خدشه بر نام آنها نداشته است.

امیر جدیدی

در کارنامه‌اش نقش و بازی بد دیده نمی‌شد تا اینکه لتیان کار را خراب کرد. امیر جدیدی در این فیلم نقش یک آقازاده به نام طاها را بازی می‌کند. او عاشق دختری (پریناز ایزدیار) شده و آرام‌آرام به گذشته نامزدش شک می‌کند. طاها از اول فیلم تا آخر، یک حالت دارد: عصبی و پرخاشگر! حتی نوع راه رفتن و حرف زدن او ثابت است و دچار تغییرات محسوس نمی‌شود. امیر جدیدی در لتیان آن‌قدر بد بازی می‌کند که مخاطب نمی‌تواند با او همراه شود. بازی بد جدیدی باعث می‌شود درون واقعی شخصیت عیان نشود. به همین خاطر است که رفتارها و واکنش‌های او قابل هضم نیست. این شخصیت دیوانه است؟ شکاک است؟ از خودراضی است؟ چرا خوشحالی، ترس، شک، نگرانی و دیگر حالت‌های او یکسان است؟ لتیان نقطه تاریک کارنامه امیر جدیدی است. شانس با او یار بود که فیلم از سوی جشنواره فجر پذیرفته نشد وگرنه در ابعاد گسترده شاهد نقدهای منفی درباره بازی او بودیم.

محمدرضا شریفی‌نیا

زن‌ها فرشته‌اند ۲ و خروج سهم محمدرضا شریفی‌نیا از اکران آنلاین است. او در زن‌ها فرشته‌اند بار دیگر نقشی مشابه آنچه در سال‌های اخیر بازی کرده، پذیرفته است. مردی راحت‌طلب که در پی علائق شخصی است و برای این کار به هر دستاویزی چنگ می‌زند. زن‌ها فرشته‌اند ۲ در ادامه همان کمدی‌هایی است که آرش معیریان می‌سازد و در ظاهر هدفشان سرگرم کردن مخاطب است. فیلم اما در این مسیر ناکام است و به همان نسبت بازی بازیگران غیرقابل دفاع. بازیگران فیلم نقش‌هایی تکراری بازی کرده‌اند؛ محمدرضا شریفی‌نیا هم چنین کرده. او در سال‌های اخیر برایش نقش‌های چالش‌برانگیز اهمیت ندارد و مصافی ساده با نقش دارد. تنها کار او راه رفتن مقابل دوربین و گفتن دیالوگ است!

فجایع

زن‌ها فرشته‌اند ۲

اگر می‌خواهید بدانید کیفیت فیلم زن‌ها فرشته‌اند ۲ چیست، کافی است به نام کارگردان آن توجه کنید. این فیلم را آرش معیریان ساخته است و سحر قریشی، نیوشا ضیغمی، علی صادقی و محمدرضا شریفی‌نیا هم بازیگران آن هستند. زن‌ها فرشته‌اند ۲ می‌خواهد با زبان شوخی و مطایبه مشکلات زناشویی را نقد کند. در عمل اما به هدف نمی‌رسد و با فیلمی روبه‌رو هستیم که دغدغه‌هایش پیش پا افتاده هستند و شوخی‌هایش دم دستی. زن‌ها فرشته‌اند ۲ از الگوی فیلم‌های ضعیف زن و شوهری سینمای ایران پیروی می‌کند. قدری تخیل هم در آن آمیخته شده و مثلا بعد از جشن طلاق و خوشحالی علی صادقی، سحر قریشی با حرکات رزمی او و مردان دیگر را نقش بر زمین می‌کند!

نرگس مست

سید جلال‌الدین دری در فیلم نرگس مست داستان یک سازنده قدیمی تار را روایت کرده که در خانه‌اش با گروه جوانی که تمرین موسیقی می‌کنند، مراوده دارد. او در فضای ذهنی خودش استادان موسیقی ایران را گاه به جای آن‌ها تصور می‌کند و ما ترانه‌های ماندگار فارسی را از آن استادان می‌شنویم. ایده فیلم جالب است اما در پرداخت با قصه‌ای الکن و پراکنده مواجه هستیم. اگر ایده به بار می‌نشست شاید با فیلمی شاخص مواجه بودیم. اولین ایراد فیلم به شخصیت‌های کاریکاتور گونه‌ای است که کارگردان طراحی کرده. شخصیت‌هایی مثل عارف قزوینی، علی اکبر شیدا، فرخی یزدی و قمرالملوک وزیری نه تنها همراهی برانگیز نیستند که مخاطب را پس می‌زنند. بی‌اغراق می‌گوییم، کارگردان ناخواسته ضربه‌ای مهلک به این شخصیت‌ها زده و تصویری بد از آنها در ذهن کاشته است. نرگس مست در بازی، شخصیت‌پردازی، قصه و تمام اجزا یک ناامیدی کامل به شمار می‌رود. حتی دیالوگ‌ها پر از اشتباه هستند و تماشاگران ناآگاه با ادبیات فارسی نیز متوجه این اشتباهات می‌شوند.

بهت

عباس رافعی در فیلم بهت سراغ سوژه‌ای مهم رفته اما نتیجه‌ای از آن نگرفته است. داستان فیلم درباره زوجی مرفه است که نمی‌توانند صاحب فرزند شوند. به همین دلیل از زوجی دیگر می‌خواهند تا از طریق رحم اجاره‌ای، بچه آنها را به دنیا بیاورند. فیلم آرام شروع می‌شود و آرام به پایان می‌رسد. حتی در جایی که باید تبدیل به نقطه عطف شود شاهد اتفاقی تکان‌دهنده نیستیم. بهت مخاطب را خیلی زود ناامید می‌کند و به او می‌گوید جز یک تیتر داغ چیز دیگری نصیبش نخواهد شد. سوژه رحم اجاره‌ای آنقدر دراماتیک است که می‌توان داستان‌های متعدد از قبل آن روایت کرد. بهت اما صرفا به طرح موضوع می‌پردازد و با پایان فیلم چیزی از آن مخاطب را درگیر نمی‌کند. بازی بازیگران از جمله مهتاب کرامتی دیگر ضعف بهت است.